

### پرده نقره‌ای

### یک جایزه بین‌المللی برای فیلم «سارا و آیدا»

مازیار میری جایزه بهترین کارگردانی را برای فیلم «سارا و آیدا» از جشنواره فیلم‌های خانوادگی روسیه کسب کرد. در این فیلم پگاه آهنگرانی و غزل شاکری نقش آفرینی می‌کنند. به گزارش خبرآنلاین، فیلم «سارا و آیدا» در بخش مسابقه چهاردهمین جشنواره فیلم‌های خانوادگی روسیه در شهر یاروسلاول به نمایش در آمد و در مراسم اختتامیه جشنواره مازیار میری جایزه بهترین کارگردانی را برای این فیلم دریافت کرد. این فیلم تاکنون در جشنواره‌های فیلم‌های ایرانی در دالاس شید (تگزاس)، سینه ایران (تورنتو)، فیلم‌های آسیایی (بارسلونا)، تفلیس، برنامه تکمیلی خانه آسیا(مادرید)، یازدهمین جشنواره بنگلور و جیپور (هند) حضور داشته است و در جشنواره جیپور هند سال ۲۰۱۸، جایزه بهترین فیلم آسیایی را دریافت کرد. چهاردهمین جشنواره فیلم‌های خانوادگی روسیه از ۱۶ تا ۲۲ تیر (۱۳ تا ۷ جولای) در شهر یاروسلاول برگزار شد.



در بخش بهترین فیلم کوتاه اعلام شد

### مرضیه ریاحی برنده جایزه «زردآلوی طلایی»



جایزه بهترین فیلم کوتاه جشنواره «زردآلوی طلایی» به مرضیه ریاحی رسید به گزارش ایلنا، جایزه زردآلوی طلایی بهترین فیلم کوتاه جشنواره به «کلاس راندگی» ساخته مرضیه ریاحی به نمایندگی از ایران اهدا شد. «کلاس راندگی» پیش از این در چهل و نهمین جشنواره «تامپره» فنلاند، پنجاه و نهمین جشنواره «کارتاگنا» کلمبیا، هجدهمین جشنواره «ترایکا» آمریکا و سی و سومین جشنواره «دمونتون» کانادا حضور داشته است. شانزدهمین جشنواره فیلم «زردآلوی طلایی» ارمنستان ۷ تا ۱۷ ژوئیه در ایروان برگزار شد.

## شاه کش

### تابستان اکران می‌شود

عباس نادران، تهیه‌کننده فیلم سینمایی «شاه‌کش» با اشاره به آخرین وضعیت این فیلم گفت: قرارداد اکران «شاه‌کش» با شرکت سینمایی نمایش گستران منعقد شده و در حال تولید مواد تبلیغی فیلم هستیم. بر اساس برنامه‌ریزی صورت گرفته قرار است این فیلم تابستان امسال و بعد از ثبت قرارداد در شورای صنفی نمایش اکران شود. وی همچنین درباره اینکه گفته می‌شود نیروی انتظامی با نمایش این فیلم مخالف بوده است گفت: پروانه نمایش این فیلم بدون هیچ مشکلی صادر و سوء تفاهم‌هایی که ایجاد شده بود با گفتگو حل شده است. «شاه‌کش» به کارگردانی وحید امیرخانی و تهیه‌کنندگی عباس نادران و باحضور مهناز افشار، هادی حجازی‌فر، مهدی کوشکی، علی کمالی، فرید سجادی حسینی، پیمان مقدمی و مجید صالحی ساخته شده است.



الهام چرخنده:

### محجبه که شدم قراردادهای کاری‌ام کنسل شد

الهام چرخنده در «اجتماع بزرگ مردمی عفاف و حجاب» در همدان با تأکید بر اینکه حجاب یک توصیه الهی است، گفت: چادر و حجاب پنج متر پارچه نیست، رکن اصلی تقواست، اما برای به‌بهانه تحریم قیمت آن را افزایش دادند. امروز هفتمین سال از محجبه شدن من در جوار حرم حضرت معصومه (س) در قم می‌گذرد، این اتفاق باعث شد تا بسیاری از افراد، رفتار من را قضاوت کنند. از زمانی که محجبه شدم، پنج قراردادی که برای بازی داشتم را کنسل کردند. خیلی از افراد پس از محجبه شدنم تلاش کردند که دیگر من دیده نشوم چراکه همکارانم از این اتفاق در شوک بودند و طیف مقابل نیز در شوک، در حالی که این دیده نشدن همایی بود که من به دنبالش بودم.

### «هیولا» خالی از ظرفت کارهای دوران درخشان مدیری است و گاه‌اگر یادمان برود که نام مدیری پای کار خورده شاید اصلا راضی به تماشای آن نشویم

هم داشته باشد که ندارد. خلاصه ماجرا این که «هیولا» خالی از ظرفت کارهای دوران درخشان مدیری است و گاه اگر یادمان برود که نام مدیری پای کار خورده شاید اصلا راضی به تماشای آن نشویم، آن چه که از رگه‌های طنز سریال می‌ماند یکی مربوط به ارجاعات به اتفاقات روز است. مثل ماجرای محمود خاوری و این‌ها و یکی هم نوعی از طنز متضاد نیست، مثل کاراکتری که نیما شعبان‌نژاد نقش آن را ایفا می‌کند و همیشه در منتهی‌الیه تضاد ایستاده. این‌ها در صورتی است که برای طنزی که به عراق و تضاد اکتفا می‌کند آدم‌های زیادی هستند که در همین تناثرهای آزاد تهران هم دیده شوند، اما طنز پیچ‌وتاب‌دار و ظریف‌ر ا معدود افرادی چون عطاران، مدیری در دوره‌ی کاردان و حتی غفور یان کارگردان توانسته‌اند اجرا کنند. به زبان ساده‌تر گاهی باطن‌زی از جنس دانی‌جان ناپلئون و تقوایی مواجهیم و گاهی طنز پرویز صیادوصمد؛ هر دو لا زمند، اما اولی کجا و دومی کجا؟ مدیری ادعای اولی را برداشته، اما از دومی هم افتاده است.

ندارند. یعنی می‌شود آن‌ها را اجذا از هم دید و یابند. بدطوری که به درک و دریافت مخاطب آسیبی نمی‌رسد. از همین جهت هم هست که بریده‌های سریال «هیولا» که در شبکه‌های مجازی، به طور خاص اینستاگرام دیده می‌شود، جذاب و دیدنی است اما در کلیت کار خیلی دلچسب نیست.

چون تماشاجی که هر قسمت سریال را می‌بیند با یک ریتم و روند کسالت‌بار و کندمواجه است که داستان در آن غیبت دارد. این موقعیت‌ها در کنار هم چیزی را پیش نمی‌برد و یا اگر با اغماض چیزی را پیش می‌برد منجر به غافلگیری، لب‌خند و در کلیت لذت نمی‌شود. مضمون کار همنشینی خیر و شر است، داستانی ازلی و ابدی، نماینده خیر شرافت است و نماینده شر هم کارمان کامروا، آن چه که می‌تواند این مضمون کهنه‌اما همیشه جذاب را در روایت تازه نشان بدهد، پرداخت ظریف و پر پیچ و خمی هست که در «هیولا» اصلا دیده نمی‌شود. به‌هر حال ما همیشه می‌دانیم که شر قرار است بر خیر غلبه کند، اینجا جی کار که مطابق با روایت‌های اساطیری هم هست و اساسا همیشه دست‌بالا دارد.

میل انسان هم شر را می‌پسندد، اما مشکل این جاست که این روند تحول شرافت خیلی سریع و با سמה‌ای است و به قولی هیچ پیچ خاصی ندارد، اتفاقا در همان لحظه‌های تردید می‌شدد موقعیت‌های کمیکی ساخت که خنده بیشتری بگیرد و تیش و نوش بیشتری

و جدید در زندگی خانوادگی مشغول رویا پردازی می‌شود و قصه‌های مختلفی را سر هم می‌کند. افشین علیار درباره فیلم نوشته بود: نگاه ناصر تقوایی به مقوله قانون خانواده‌وار آن مهم‌تر زندگی زن و شوه‌ری در آغاز دههٔ ۸۰ مدرن و آرمانی است، دیدگاهی که تا به امروز در سینمای ایران نظیرش را ندیده‌ایم به همین دلیل کاغذی خط تاریخ نقضا ندارد، این فیلم فارغ از ادعای جریان روشنفکری به یک معضل در بستر یک چارچوب مثل خانه می‌پردازد. اگر این فیلم با همین مختصات ساختاری در سال ۹۵ هم ساخته می‌شد باز هم فیلم مهمی بود.

#### دایی جان ناپلئون

داستان: داستان در مورد عاشق شدن سعید که مثلاً ۱۴ سال دار داست که عاشق دختر دایی خود یعنی دایی جان ناپلئون می‌شود. دایی جان ناپلئون در این داستان به شکلی بیان شده که فکر می‌کند در تمام جنگ‌های فرانسه در کنار ناپلئون بناپارت حضور داشته. نصرت کریمی درباره سریال گفته بود: گویی راوی داستان (سعید) کسی جز خود نویسنده نیست و دیگران، اقوام و معاش‌رین خانوادگی او هستند. وقایعی که در داستان می‌گذرد را انگار نویسنده با گوشت و پوست خود لمس و عمیقاً احساس کرده است. نویسنده، احساس‌های واقعی خویش را با توان استعداد ذاتی طنز پردازی پیوند زده و این اثر ادبی طنز آمیز منحصر به فرد را به وجود آورده است. دومین عامل موفقیت این سریال، ناصر تقوایی است که با برگردان این رمان به فیلم‌نامه، کارگردانی خلاق و هنرمندانه، تمام وقایع و شخصیت‌های داستان را درخشان‌تر از زمان ارائه داده است.

بنابر این تنگنای معیشتی حاصل از بیکاری یا عدم توانایی یافتن کار، به آسیب اجتماعی منجر می‌شود. بیکاری ممکن است در اثر نداشتن مهارت صورت پذیرد یا اینکه عرصه به قدری تنگ‌باشد که‌با داشتن مدرک و تخصص نیز بیکاری همچنان وجود داشته‌باشد. بنابر این در چنین شرایطی نمی‌توان از یک انسان به شدت نیازمند انتظار داشت که مناعت طبع داشته‌باشد؛ حرمت نفس خود را حفظ کند و با حسرت به زندگی ثروتمندان نگاه نکند و در نهایت به فکرزدیدن اموال آنان یا کلاهبرداری نیافتد؛ بنابراین یکی از پیامدهای مخرب بیکاری، دامن‌زدن به رشد بی‌رویه فقر و بالتبع آن پدیده‌ایی جرم، جنایت، بزهکاری و بزه‌دیدگی در سطح جامعه است.

الکلی و پولی که از این راه‌بدست می‌آید نصایح قابلی را عظمی‌کند و به این نتیجه غیر قابل باور می‌رسد که هر کس راه خلاف را در پیش گیرد، قطعا تاوان پس خواهد داد! نتیجه اخلاقی که در دنیای امروز ما خیلی مصداق عینی و ملموس ندارد با اتفاقاتی که در جهان واقعی پیرامون مان در حال شکل‌گیری است بسی فاصله‌دار! از آنجا که فیلم بر حول محور موضوع مهمی چون بیکاری و اشتغال جوانان پرداخته باید خاطر نشان کرد رابطه مستقیمی بین بیکاری و گرایش به آسیب‌های اجتماعی وجود دارد. در واقع یکی از مهمترین محصولات مستقیم بیکاری، فقر است. وقتی تنگنای معیشتی در اثر بیکاری عارض شود، تن دادن به هر کاری ممکن است، حتی اگر در تعارض با قواین جامعه باشد.

بسیار مهمی دست گذاشته که می‌توانست به خلق اثری قابل تأمل منجر شود، متأسفانه‌با به کارگیری دیالوگ‌های شعاری و آفرینش موقعیت‌های به شدت کلیشه‌ای از مسیر اصلی داستان منحرف شده و حتی نتوانسته حداقل‌های لازم برای جلب رضایت مخاطب را فراهم آورد. فیلم همچون نامش باتوجه به خلق خرده داستان‌هایی که نصفه و نیمه و رهایشان می‌کند به معنای واقعی کلمه کثیف و سلخته است که در نهایت به صورت فاجعه‌بار به اتمام می‌رسد. در واقع باید خاطر نشان کرد پایان عبرت‌آموز فیلم نیز مهر تاییدی بر شعاری بودن آن است که فیلم همچون واعظی برای جمع‌بندی‌اش شعله قلماکاری که به راه انداخته به حذف صورت مسئله می‌پردازد و در باب مضرات فروش مشروبات

درام‌های اجتماعی قدم می‌زد و نه کارهایش کمیسک و نمکین بود، هر دو بود و توامان هیچ کدام نبود. نقطه عطف کارهای درخشانی چون «پاورچین» و «شب‌های برره» مساله تیپ‌سازی است. او در این زمینه در ایران رقیب ندارد. هیچ‌کس به اندازه او تیپ‌نساخته و تیپ‌هایش در تار و پود زندگی روزمره مردم هم نفوذ کرده، اما همین عنصر حیاتی و اصلا شناسنامه کاری مدیری از جایی به بعد زیر میل شخصیت‌سازی دفن شد. حالا آدم‌های سریال «هیولا» نه تیپ هستند و نه تبدیل به کاراکتر شده‌اند. شاید اصلا برهیز از حضور سیامک انصاری به عنوان شاخص‌ترین تیپ‌ساز مدیری ریشه در همین میل اوبه فرار از دنیای تیپ‌هاست. فرهاد اصلانی باز یگر تکنیکی تری است. در وهله اول انتخاب بدی برای نقش شرافت نیست، اما او در مرحله پرداخت شخصیت و روی کاغذ ضربه خورده چون ترسیم شرافت مردد نوشته شده، او جایی بلاحت یک تیپ را دارد. مثل مواجهه با ترکیب‌های گوناگون هیات مدیره‌های مافیایی و جایی ذکاوت یک شخصیت را دارد. مثل تطبیق و همنشینی‌اش با شرایط کاسب کارانه جدید. این یک مثال، شاید روشن‌کننده وضعیت مرد فضایی کاری مثل «هیولا» باشد. مورد بعدی اماریطی به سردر گمی‌های ژانری ندارد. در «هیولا» با موقعیت‌های منفکی مواجه هستیم که بی‌نهایت پیش‌بینی‌پذیر هستند و لزوماً ارتباط ارگانیکی با هم

پنج عصر» این دگردیسی یاسر گشتگی به اوج رسید. او را سال‌ها به اسم کم‌دین، طناز یا چیزی شبیه این می‌شناختیم اما ناگهان تبدیل به یک درام‌ساز اجتماعی شده بود، گرچه رگه‌هایی از طنز را هم داشت، اما نه این شده بود و نه آن.

مدیرِی از جایی به بعد نه در ژانر

هر چه که مدیری ساخت بیشتر خرج کردن از نام و اعتبارش بود و چیزی بر کارنامه‌اش اضافه نکرد. حتی کاری مثل «ویلاي من» هم در نهایت شباهتی به دوران درخشان مدیری نداشت. شاید بشود این‌طور گفت که مدیری وارد یک دوران دگردیسی ژانری شده. در «ساعت

#### ایمان عبدلی

آن زمان که تبلیغات محیطی سریال هیولا شروع شد، تأکید روی اسم پیمان قاسم‌خانی امیدوارمان می‌کرد که مدیری قرار است به دوران درخشان گذشته‌اش برگردد. بعد از قهوه تلخ

#### نگاه ویژه

مرور کارنامه تقوایی به بهانه سالروز تولدش

# ناصر تقوایی، جای خالی سینمای ایران

#### آیان نامجو

هر سال که موعد تولد تقوایی می‌رسد کلی قربان صدقه و دیگر هیچ! هیچ‌کس دقیقاً پیگیر نیست چگونه و چرا ناصر تقوایی دیگر کار نمی‌کند؟ در دوران رانت و پول کثیف، البته شاید هم بدنیا شد که تقوایی کار نکند، اصلاً شاید امثال اوبه این دنیای پول‌های کثیف نمی‌آیند. حداقلش این است که کارنامه‌شان لکه‌دار نمی‌شود و ما همیشه آن‌ها را یک کارنامه مبر به یاد می‌آوریم.

#### آرامش در حضور دیگران

داستان: سرهنگ بازنشسته‌ای که پس از فوت همسرش با معلم جوانی به نام منیژه ازدواج کرده و در شهرستان زندگی می‌کند. مرغاری‌اش را می‌فروشد و به پایتخت بازمی‌گردد تا در کنار دخترانش ملیحه و مهلا زندگی کند. آنتونی‌اشر کادر باره فیلم نوشته بود: فیلم، از بر خورد دو زندگی طبیعی با یکدیگر سخن می‌گوید بر خورد دو فضای فکری. «آن چه حال سرهنگ روان پریش و الکلی را بدو بدتر می‌کند، بی‌بردن به این واقعیت است که دخترها زندگی بی‌بندوباری را پیش گرفته‌اند که آنها را تا مرز هرزگی بار داری نامشروع، روابط ناخواسته، خیانت و

#### یادداشت

نگاهی به فیلم «کار کثیف»

# ردپای فقر و بیکاری در آسیب‌های اجتماعی

برای فائق آمدن بر مشکلات مالی برگزیده است.

از اینرو باتوجه به حوادثی که در خلال داستان رقم می‌خورد مخاطب قرار است مخاطره‌های زندگی یک ساقی نوشیدنی‌های الکلی و زوایای پنهانی روابط وی و همچنین مشکلات و مسائلی که به سبب توزیع نوشیدنی‌های الکلی در زندگی زناشویی وی ایجاد می‌شود را مشاهده کند. اما در این میان نیز باز هم حوادثی رخ می‌دهد که در نهایت «فرهاد» مجبور است برای مهاجرت و ترک کشور اقدام کند. «کار کثیف» در خلاف آنکه بر موضوع

فائزه ناصح، دکترای روانشناسی عمومی

«کار کثیف» فیلمی با ژانر اجتماعی است که به معضلاتی چون بیکاری و مهاجرت می‌پردازد. سوزهای که با نابسامانی‌های اقتصادی و معیشتی که در کشور موج می‌زد به شدت همساز است. ماجرای فیلم درباره «فرهاد» دانشجوی حقوقی است که نتوانسته در این عرصه به موفقیت برسد، دانشگاه را رها کرده و در حال حاضر به نقطه‌ای رسیده که فروش مشروبات الکلی را به عنوان راهی